



خبر



علی مصفا، صابر ابر و شمس لنگرودی در «چشم‌هایش»

علی مصفا، صابر ابر و شمس لنگرودی به پروژه سینمایی «چشم‌هایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا پیوستند. فیلم «چشم‌هایش» که اقتباسی از رمان معروف بزرگ علوی است با حمایت بنیاد سینمایی فارابی، در شهر ک سینمایی غزالی ساخته می‌شود.

بهمن فرمان‌آرا و شادمهر رستین به‌طور مشترک فیلمنامه این اقتباس را نوشته‌اند. «چشم‌هایش»، زمانی که نخستین بار در سال ۱۳۳۱ منتشر شد، داستانی پر از رمز و راز از زندگی یک نقاش انقلابی را روایت می‌کند؛ نقاشی که در دل یک فضای پر تنش سیاسی و اجتماعی، با دنیای پیچیده‌ای از عشق و مبارزه رویه‌روست.

بهمن فرمان‌آرا، کارگردان و نویسنده مطرح سینما که پیش از این تجربه‌های موفقی چون «شازده احتجاب» و «سایه‌های بلند باد» را در کارنامه داشته، با این پروژه دوباره سراغ ادبیات معاصر ایران رفته تا تصویری نو از این اثر جاودانه خلق کند. این فیلم که در حال حاضر در مرحله پیش‌تولید قرار دارد، به‌زودی مراحل اصلی تولید را آغاز خواهد کرد.

جشنواره

بازتاب نمایش «زن و بچه» در کن



فیلم «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی، با بازی پریناز ایزدیار در نقش صادری گرفتار در نخستین نمایش جهانی در بخش مسابقه جشنواره کن با واکنش‌های متفاوتی مواجه شد.

- دیمون وایز، ددلاین:** برترهای آتشین از زنانگی. «زن و بچه» در امتداد مسیر بحث‌برانگیز روستایی پس از فیلم «برادران لایلا» قرار می‌گیرد.
- پیتربرووز، وروایتی:** درحالی‌که روستایی در دفاع از حقوق زن قدم برداشته، برخی تصمیمات عجولانه مهناز وضعیت را برای افزایش بدتر می‌کند. با این همه بازی پریناز ایزدیار احساسی و تأثیرگذار است.
- سوفی مانکس کافمن، نشریه ایندی وایر:** چند اشکال ساختاری باعث می‌شود گاه فیلم از یک مولودرام سینمایی به مرزهای سرپال‌های تلویزیونی نزدیک شود، زیرا بدبیارِها یکی پس از دیگری از راه می‌رسند، اما بازی پرشور و پیوسته پریناز ایزدیار، این توازن را حفظ و بیننده را با خود همراه می‌کند.
- پیتربردشاو، گاردین:** اثری عجیب، غمگین و غم‌انگیز. داستانی درباره تصادفی بودن زندگی در یک شهر بزرگ، یک تشنج حاصل از غم و آندوه، خشم و درد که حسی از سرپال‌های تلویزیونی سطحی را به چران‌های فراینده آن اضافه می‌کند.

هفته‌منتقدان



یک فیلم تایلندی

برنده جایزه هفته منتقدان کن

فیلم کمدی-حرام «روح مفید» به کارگردانی رانچاپوم بونونچاچوک از تایلند موفق شد جایزه بزرگ بخش مستقل هفته منتقدان جشنواره کن ۲۰۲۵ را از آن خود کند؛ بخشی که همواره به کشف استعدادهای نوظهور سینمای جهان شهرت دارد. مستند «ایماگو» و فیلم «هینو» نیز از دیگر آثار شاخص و برنده این دوره بودند. بخش هفته منتقدان که سکویی برای معرفی فیلمسازان است و با روایتی طنزآمیز و احساسی، نگاه جدیدی به موضوع سوگواری، عشق و ارتباط انسان با اشیا ارائه می‌دهد. «روح مفید» داستان مردی را روایت می‌کند که در غم از دست دادن همسرش بر اثر آلودگی ناشی از گردوغبار در تایلند به سر می‌برد. اما هنگامی که متوجه می‌شود روح همسرش در جاروبرقی خانه تجسم یافته، رابطه‌ای عجیب اما احیاشده میان آنها شکل می‌گیرد؛ روایتی استعاری و طنزآمیز که هم‌زمان نقدی بر بحران محیط‌زیستی نیز هست.

مانعی بر سر راه ارکان «سینما متروپل» نیست

رائد فریبرزاده، رئیس سازمان سینمایی، مانعی بر سر راه ارکان «سینما متروپل» نیست و فقط عوامل این فیلم منتظر فرصت مناسبی برای ارکان هستند. «سینما متروپل» در حقیقت فیلم مهمی است و جایزه بهترین فیلم جشنواره فجر را از آن خودش کرده و نیاز است در یک فرصت خوب ارکان شود. / ایستا



استودیوی هشتادوی یکم / آبرو رستمی

فیلم جنگی بی‌مخاطب نیست

آسیب‌شناسی فیلم‌های دفاع‌مقدس در گفت‌وگو با محمدرضا شفیعی وحسام‌الدین فروزان، همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر

فقط نمایش تلویزیونی و جشنواره‌ای داشته‌اند و ۲فیلم فقط در جشنواره‌ها به نمایش درآمده‌اند. در این مدت یک‌میلیون و ۴۸۷هزار و ۲۰۰بلیت از مجموع ۸۲میلیون بلیت فروخته شده برای فیلم‌های جنگی به فروش رسیده و فیلم‌های جنگی ۵۱میلیارد و ۵۰۰میلیون تومان فروش برای خود ثبت کرده‌اند. تنها ۲درصد از مخاطبان سینمایی ایران در این ۴سال فیلم‌های جنگی را برای تماشای انتخاب کرده‌اند. این اعداد و ارقام همگی نشان می‌دهند به جز تداوم تولید ارگانی و اصرار مدیران جشنواره‌ها و همت

برخی فیلمسازان، سینمای دفاع‌مقدس امروز ایران ارتباط خوبی با مخاطب فیلم ایرانی ندارد. حال چرا پر فروش ترین، مهم‌ترین و کامل‌ترین گونه سینمای ایران پس از انقلاب در این ۴سال با اقبال روبه‌رو نشده است؟ محمدرضا شفیعی، تهیه‌کننده تلویزیون و سینمای ایران که این روزها فیلم «صیاد» به کارگردانی جواد افشار را درباره زندگی شهیدصیاد شیرازی بر پرده دارد و سیدحسام‌الدین فروزان، مترجم، منتقد و نویسنده سینمایی به سؤالات علیرضا محمودی پاسخ داده‌اند.

چرا فیلم‌های جنگی در میان

فیلم‌های کوفروش قرار دارند؟

■ محمدرضا شفیعی: وقتی می‌گوییم ۲درصد از تماشاگران برای تماشای فیلم دفاع‌مقدس به سینما

رفته‌اند، معنایش این نیست که مردم این فیلم‌ها را دوست ندارند. یک مثال می‌زنم؛ سال ۸۹وقتی فیلم «سر به مهر» ساخته شد، در سینما گفتند فروش خوبی ندارد، اما همین فیلم تا به امروز بیش از ۱۰۰بار از تلویزیون پخش شده است و هر دفعه جزو پربیننده‌ترین فیلم‌های سینمایی از رسانه ملی بوده و در مقایسه با ارکان که چند ده هزار نفر آن را دیده‌اند، این فیلم را میلیون‌ها نفر از تلویزیون تماشا کرده‌اند. این روزها مردم با توجه به جسی که فیلم دارد به سینما می‌روند. وقتی می‌دانند فیلم چندماه دیگر از تلویزیون پخش می‌شود، منتظر می‌مانند تا آن را از تلویزیون ببینند و وقتی احساس می‌کنند تلویزیون تیرزی پخش نمی‌کند و فیلم هر ماهی آنتن نمی‌رود، پس به سینما می‌روند تا آن را تماشا کنند یا اینکه صبر می‌کنند فیلم را از ارکان آنلاین با نصف قیمت ببینند.

اینکه سینمای دفاع‌مقدس بی‌مخاطب است یک تهمت است و زیاد جالب نیست. وقتی انتخاب یک خانواده در سینما تماشای فیلم است بیشتر سراغ فیلم کمدی می‌روند. در حال حاضر رسانه مخاطب تغییر کرده و تماشاگر انتخاب می‌کند که کدام فیلم را کجا تماشا کند.

■ حسام‌الدین فروزان: معمولاً این موضوع که فیلم دفاع‌مقدس مخاطب ندارد یا در سینما فروش ندارد، از سوی فیلمسازان و تهیه‌کنندگان رد یا تخطئه می‌شود، اما این را هم باید بگوییم که ما در سینما ریزش مخاطب داریم، اما وقتی روی پرده ۵فیلم کمدی هست و در کنارش چند فیلم جنگی یا ارگانی ارکان می‌شود، مطمئناً خانواده‌ها سراغ تماشای فیلم کمدی می‌روند. باید قبول کنیم سینمای دفاع‌مقدس از تجربه ۳۰ساله خودش، نتوانسته استفاده کند و فیلم‌های متناسب با روح زمانه خودمان نداریم؛ البته تجربه نشان داده اگر فیلمساز، فیلم متفاوتی مانند «ایستاده در غبار» یا «موقعیت مهدی» را بسازد، حتماً در سینما هم از آن استقبال می‌شود.

۲نوع نگاه درباره مخاطبان و

سینمای جنگ داریم. یک نگاه بر مبنای تغییر رسانه است یک نگاه بر مبنای تغییر مخاطب.

■ محمدرضا شفیعی: اول دوست داریم درباره فیلم ارگانی کمی حرف بزنیم یا اصطلاح فیلم نفتی که دورای استفاده می‌شد. ما در کار رسانه هستیم و متوجه می‌شویم که برخی کلمات کارکردهای بار منفی دارند. من به کیفیت فیلم که خوب یا بد است کاری ندارم. اما سفارش یا حمایت از ساخت یک فیلم در همه‌جا متداول است، حالا در کشور ما فیلم ضعیف ساخته می‌شود. اساساً یک‌سری دستگاه فرهنگی دولتی وجود دارند که از یک‌سری

فیلم یا تولید محتوای خاص حمایت می‌کنند. این جریان حمایت با سفارش اشتباه نیست، نباید این‌را که فیلمی ضعیف است به حساب حمایت یا سفارش نگذاریم.

■ حسام‌الدین فروزان: به‌منظر یک‌سری کلمات در فضای رسانه‌ای برای اینکه جریان‌ها شناخته شوند، استفاده می‌شوند و لزوماً بی‌منفی ندارند.

فیلم‌ها چرا کمکی به رونق سینمای جنگی نمی‌کنند؟

■ محمدرضا شفیعی: ما ناچار هستیم قهرمانان ملی را به تصویر بکشیم، چراکه در حوزه تاریخ شفاهی در ۲۵دهه اخیر پیشرفت کرده‌ایم. قهرمانان ملی، نظامی تاریخ شفاهی درباره‌شان جمع‌آوری شده، اما مگر چند درصد آن را می‌خوانند؟ مخاطب امروز تصویری است و باید کاری بکنیم که آنها را بشناسند؛ به همین دلیل ناچاریم شخصیت‌های ملی را تصویری کنیم. در فضای رسانه‌ای موجود چرا‌های جز ساختن فیلم (وارد بحث کیفیت آن خوب یا بد است، نشویم، بر اساس قهرمان‌سازی برتره نداریم. صیاد سال ۷۸شهید شده و جزو شهدایی است که هر ۳مقطع نظام را در ک کرده است. آ یا نوجوان و جوان امروز او را می‌شناسد؟ نوع تبلیغات چقدر جوان امروز را کنجکاو می‌کند؟ تبلیغات ما به ۱۳دهه قبل مرتبط می‌شود که هیچ‌گونه تأثیرگذاری فرهنگی برایمان ندارد.

■ حسام‌الدین فروزان: درست است که باید قهرمانان را به تصویر کشید، اما اینکه یک ویکی‌پدیای تصویری درست کنیم، برای سینما جذاب است؟! اتفاقی که با «ایستاده در غبار» افتاد، محصول نگاه تازه به سینمای جنگ و آدم‌هایش بود. سینمای جنگ یک نمونه مثبت دید که همه برای تماشا سراغش رفتند. این اتفاق، مثبت و قابل تأمل است که در یک فیلم قهرمان داشته باشیم، اما آن فیلم باید استانداردهای یک فیلم خوب را داشته باشد، نه اینکه یک فیلم خنثی و پر از دیالوگ و بدون هیچ جذابیتی بسازیم. اگر فیلم خوب و سینمایی درباره سرداران جنگ ساخته می‌شود، حتی هزینه کلان صرف آن می‌شود، این پول حلالشان باشد.

در این فیلم‌ها بیشتر

قهرمانان و شخصیت‌ها به شکل
یاستور بزه نشان داده می‌شوند که یک چالش شده است. به‌نظر شما این چالش چگونه حل می‌شود؟

■ محمدرضا شفیعی: زمانی که سرپال «ضعیت سفید» را در دهه ۷۰ساختم همراه حمید نعمت‌الله و هادی مقدم‌دوست به جلسه‌ای رفتیم که برایم خیلی تلخ بود. در آن زمان و مدیریت

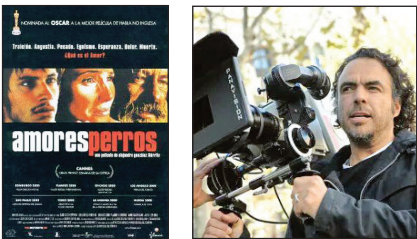
می‌خواهم در محله خودمان بازی کنم

سینا رازانی، بازیگر؛ برای من تجربه حضور در بازی‌های مافیایی فاصله بگیرم و به خانه اول خودم که تئاتر است، برگردم. به قول معروف، فعلاً تصمیم داریم در محله خودمان بازی کنیم. / ایستا

گپ

بر تولوچی، کن و کشف یک کارگردان مکزیکی

ایناریتو از ۲۵ سالگی فیلم «عشق سگی» می‌گوید



آلخاندرو گونزالس ایناریتو که به‌تازگی فیلمبرداری فیلم بدون عنوانش با بازی تام کروز را در لندن به پایان رسانده، در بیست و پنجمین سالگرد فیلمش «عشق سگی» که او را به دنیا معرفی کرد، در جشنواره فیلم کن حضور دارد.

«عشق سگی» فیلمی خشن و جسورانه بود که ۳ داستان جداگانه را تصویر می‌کرد این فیلم اکنون به افتخار این کارگردان که ۴ جایزه اسکار برده در دانشگاه ملی مکزیک نگهداری می‌شود. به مناسبت ۲۵ سالگی ساخته شدن فیلم قرار است در میلان (از ۱۸ سپتامبر تا ۲۶ فوریه ۲۰۲۶) و در مکزیکوسیتی (از ۵ اکتبر تا ۳ ژانویه ۲۰۲۶) برنامه ویژه‌ای برگزار شود. لس‌آنجلس هم برنامه‌هایی تدارک دیده و کتابی درباره چگونه ساخته شدن فیلم «عشق سگی» در دست انتشار است. به گزارش مهر، او در مصاحبه‌ای با «عشق سگی» که نامزدی اسکار بهترین فیلم بین‌المللی را برای او به ارمغان آورد، پرداخته است.

ما را به «عشق سگی» که ۲۵ سال پیش، همین‌جادر بخش هفته منتقدان کن پخش شد، برگردانید.

من هیچ انتظاری نداشتم و هر کاری که می‌توانستم انجام دادم. ما جوان بودیم. فیلم آمد، من آن را در خانه‌ام تدوین کردم و برای کمیته کن فرستادم. گفتند: «نه، خیلی طولانی و خیلی خشن است.» نمایند‌های که فیلم‌ها را برای آمریکای لاتین انتخاب می‌کرد و نمایند‌های که فیلم را انتخاب می‌کند، کار ما را رد کردند. ما پرسیدیم: «یا می‌شود آن را ببینند؟» گفتند: «نه!» هیچ توزیع‌کننده مکزیکی‌ای وجود نداشت، هیچ بازاری نبود. در آن زمان، سینمای آمریکای لاتین، به بخش سینمای جهانی جشنواره‌ها محدود شده بود. اما خوزه مارا یا آریو که مدیر هفته منتقدان بود، فیلم را دید و یک نامه عاشقانه برای ما فرستاد. او کسی بود که گفت «بیا» و ناگهان فیلم ما دیده شد.

رئیس هفته منتقدان کسی نبود جز برناردو بر تولوچی. او ما را به ناها را ۶ کارگردان دیگری که با هم رقابت می‌کردیم دعوت کرد. من فیلم را نمایش دادم. نصف پرده سینما وسط نمایش از کار افتاد و فیلم به بدترین شکل نشان داده شد. من یک پاکت سیگار کشیدم و پر از نیکوتین به ناهار و بر تولوچی رسیدم.

او پرسید: «چطور پیش رفت؟» گفتم: «افتضاح!» واقعا شو که شده بودم. گفتم: «این نخستین و آخرین فیلم من است، همین.» به او گفتم: «به تو حسادت می‌کنم. اینکه تو برناردو بر تولوچی هستی و دیگر نباید ترسی داشته باشی.» او که لباس شیکي هم پوشیده بود، گفت: «آلخاندرو، خبر ددی رایت دارم. بعد از فیلم اول، همه چیز بدتر می‌شود.» در آن زمان در سال ۲۰۰۰ من به‌عنوان یک مرد جوان، نمی‌توانستم در ک کنم که فیلم من ۲۵ سال بعد دیده شود و حالا من ۲۵ سال بعد اینجا هستم.

برناردو در سست می‌گفت، ساخت هر فیلمی سخت‌تر می‌شود.

واقعیت این است که آن زمان فیلم به یک اثر عظیم بدل و به طری‌ری باورنکردنی موفق شد.



با نگاهی امروزی به فیلم و موضوع آن، آیا می‌توانید دوباره آن را ببسازید؟ آیا هنوز مکزیک را از همان درجه می‌بینید؟

بله، حتی مکزیک تغییر هم نکرده است. خشونت در آن زمان در مکزیک بسیار شدید بود. هنگام گشت‌زنی در خانه‌شاهد دعوای سگ‌ها بودیم و من با تلفن حرف می‌زدم که یک اسلحه به سرم خورد و طراح تولید من با اسلحه‌ای روی سرش روی زمین افتاده بود. آنها یک باند بودند و دوربین‌های ما را گرفتند. آنجا محله کراک بود. ما گفتیم: «لطفاً به کسی آسیب نرسانید.» و خلاصه ما نجات یافتیم، اما من آن گشت‌زنی را دوست داشتم، زیرا گشت‌زنی بی‌نقصی بود. تهیه‌کننده با باند مذاکره کرد و قرار شد آنها هم در فیلم باشند. هر کسی که در پس‌زمینه صندلی‌های مسابقه سگ‌هاست، اعضای باند است. امروز کار در مکزیک حتی سخت‌تر هم شده است.

آیا هیچان زبادی برای خرید فیلم ایجاد شد یا

لایزگیت آن را انتخاب کرد؟

فکر می‌کنم آنها آن را انتخاب کردند. در آن زمان، خرید فیلم‌های خارجی‌زبان سخت بود. این فیلم رکورد حضور تماشاگران در مکزیک را شکست و حتی برای حزب سیاسی حاکم که ۷۰ سال در قدرت بود، یک تغییر جالب بود.

شما تماس گرفت؟

من یک نماینده به نام جان لشر داشتم. آنها سفارش ساخت فیلم‌های بزرگ فرنجایزی را برای من می‌آوردند و من در حال ساخت «۲۱ گرم» بودم. نشان بن کسی بود که با من تماس گرفت. من او را در یک مهمانی ملاقات کردم. او گفت: «اگر چیزی داری، به من خبر بده.» فکر کردم خوب است که فیلمی درباره تعصب مذهبی، ایسان و هر چیزی که جنوب آمریکا را منفرج می‌کند، کشف کنم. «۲۱ گرم» نخستین فیلم تولید شده توسط فوکوس فیچرز تحت نظر دیوید لینده و جیمز شاموس بود. این نخستین فیلم آمریکایی من بود که به‌طور مستقل با تدوین نهایی ساخته شد.